

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه سی ام 1396/09/25

لزوم پاسخگویی روشمند به شبهات (29) – آشنایی با فرق اهل سنت

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله ما در رابطه با مبحث دوم یعنی شرایط پاسخگویی به شبهات و شایستگی کسی که در شبهات یا در مناظرات می‌خواهد ورود پیدا کند پنج سوال را طرح کردیم سوال اول منظور از شایستگی‌های ذاتی و شایستگی‌های اکتسابی که باید یک پاسخگوی شبهات و یا مناظره کننده داشته باشد، چیست؟

«عَدَدُ الْمُؤَهَّلَاتِ الذَّاتِيَّةِ وَتَكَلُّمٍ عَنْ اثْنَيْنِ مِنْهَا بِاخْتِصَارٍ»

نسبت به شایستگی‌های ذاتی، چند شایستگی داریم و دو مورد را هم نام ببرید؟

بحث اعتماد به نفس و نقش آن در تحکیم توانایی پاسخگو به شبهات چیست؟

البته یک چیزی هم که در سوال نیست ولی اگر دوستان خواستند جواب بدهند این را هم جدا کنند.

تفاوت بین اعتماد به نفس و مغرور شدن به نفس چیست؟

این‌ها مرززش مشخص بشود.

چهار تا از اقسام شایستگی‌های اکتسابی که باید مجیب از شبهات هم بیاید نام ببرید؟

پرسش:

نفسی که می‌فرمایید چه نفسی است؟ الان روان‌شناس‌ها می‌گویند اعتماد به نفس، منظور نفس اماره که نیست

پاسخ:

نه، ببینید اعتماد به روح، اول اعتماد به شخصیت خودش یعنی کسی که می‌خواهد بیاید در مناظره شرکت بکند دلهره دارد نمی‌داند آیا موفق می‌شود یا موفق نمی‌شود، آیا این جواب من قانع کننده است یا قانع کننده نیست، شاید آن بیاید سوالی بکند من بتوانم جواب بدهم یا نتوانم.

چنین روحیه‌ای نمی‌تواند در بحث و مناظره بیاید یا در پاسخگویی به شبهات این کسی که می‌رود باید قطع صد در صدی داشته باشد که مذهب من حق است به اندازه کافی هم اطلاعات کافی دارم. طرف مقابل من هم ارزش علمی ندارد که من بخواهم برای او فکری کرده باشم چون من آن‌چه که فرا گرفته‌ام از اهل بیت علیهم السلام و این‌ها هم از منبع وحی این مطالب را فرا گرفته‌اند.

ولی طرف مقابل از لسان افراد و از بافته‌های ذهن خودش دارد مطرح می‌کند بافته‌های ذهن یک طرف، با مطالب بر گرفته از وحی زمین تا آسمان تفاوت دارد همین حالت برای انسان بیاید اعتماد به نفس می‌آید ولی این اعتماد به نفس، خدای نکرده غرور نیاید این طرف را مغرور نکند. او را عجب بگیرد حالت ریا رخ ندهد چون این‌ها مانع موفقیت است.

همچنین در بحث و اصول و عنصر پاسخگویی به شبهات و یا در مناظرات چه امکاناتی ما باید داشته باشیم؟ از نظر تسلط به منابع و مبانی علمی مثل صرف و نحو و منطق و غیره و استفاده از امکاناتی مثل کامپیوتر و اینترنت و... این پنج تا سوال است ان شاء الله عزیزان ما جواب بدهند.

مبحث سوم که این بخش سوم در حقیقت یکی از بخش‌های اساسی و ریشه‌ای است که در پاسخگویی به شبهات ما هر چه جلوتر می‌رویم اهمیت بحث‌ها یک مقداری بیشتر است.

ما این‌جا یازده تا سوال طرح کردیم بحث اول ما در رابطه با فرقه‌های اعتقادی است که مثل اشعری مثل اعتزال مثل ماتریدی مثل وهابی که الان وجود خارجی دارند وگرنه آن فرق اسلامی که منقرض شدند رفته‌اند خود آقایانی که متصدی بحث از فرق اسلامی هستند تا حدود هشتصد و اندی فرقه‌های اسلامی را نام برده‌اند معجم فرق اسلامی، آقای دکتر جواد مشکور من بار بررسی می‌کردم حدود 830 تا 840 فرقه اسلامی از شیعه و سنی را نام بردند.

ولی الان آن‌چه که در عصر حاضر مطرح است بحث امامیه است که کاملاً مشخص است بحث معتزله است که هم اکنون تا حدودی طرفدار دارد اشاعره است شاید بتوانیم بگوییم 90 درصد اهل سنت معاصر ما از نظر گرایش کلامی اشعری هستند و بخشی هم ماتریدی هستند مثل احناف و غیره این‌ها ماتریدی هستند.

باز هم در میان احناف تابع اشعری زیاد هستند و از آن طرف هم بحث سلفی و وهابیت است این‌ها را ما باید یک مقداری دقت کنیم اصلاً ریشه اشاعره به کجا بر می‌گردد؟ ماتریدی به کجا بر می‌گردد؟ معتزله به کجا بر می‌گردد؟ وهابیت به کجا بر می‌گردد؟ و این‌ها چه اصولی دارند؟

اصول این‌ها چیست؟ مبانی اعتقادی این‌ها چه است؟ ما می‌آییم می‌گوییم فرضاً معتزله باطل است بتوانیم نیم ساعتی در رابطه با مبانی فکری و اعتقادی معتزله صحبت کنیم و بگوییم معتزله به این دلایل یک فرقه باطل است.

از نظر مذهب فقهی هم آقایان در مجتمع جده که شاید نزدیک به 18 یا 20 سال قبل بوده و همه مذاهب اسلامی آن‌جا بودند رسماً اعلام کردند ما 8 مذهب اسلامی داریم سه تا از این‌ها مربوط به شیعه است پنج تای از این‌ها مربوط به اهل سنت است.

از شیعه، امامیه را که معتقد به 12 امام است یک مذهب، اسماعیلیه که به امامت آقا امام صادق سلام الله علیه و بعد از او، فرزندش اسماعیل معتقد هستند و زیدیه که 4 امامی هستند و الان هم وجود دارند.

در قسمت هند و پاکستان اسماعیلیه الی ماشاء الله هستند یا در شرق عربستان سعودی اسماعیلیه زیاد هستند زیدیه که عمدتاً در یمن است و امامیه هم که ما هستیم.

اما از نظر مسائل مذهبی اهل سنت 4 مذهب مشهور که مذهب حنفی است که قدیمی‌ترین مذهب‌شان است تابع نعمان ابن ثابت، ابو حنیفه هستند که متوفای 150 است. بعد از او مالکی‌ها هستند تابع مالک بن انس که متوفای 179 است. سوم شافعی‌ها هستند احمد ابن ادريس شافعی متوفای 204 . بعد از او حنبلی‌ها هستند که تابع احمد بن حنبل متوفای 241 هستند. پنجمین فرقه هم اباضیه هستند که الان در کشور عمان بر مبنای فقه اباضیه کشورشان می‌چرخد.

حکومت‌شان، قضاوت‌شان، ادارات‌شان با محوریت فقه اباضیه اداره می‌شود فقه اباضیه، در حقیقت اباضیه شعبه‌ای از خوارج هستند البته با آن خوارجی که در عصر امیر المؤمنین سلام الله علیه و در صدر اسلام بودند خیلی تفاوت دارند شاید من بتوانم ادعا کنم 90 درصد با آن خوارج صدر اسلام این‌ها تفاوت دارند. این‌ها کتاب‌های زیادی هم دارند

پرسش:

خودشان قبول ندارند که از خوارج هستند.

پاسخ:

قبول داشته باشند یا نداشته باشند ریشه همه این‌ها به خوارج بر می‌گردند و این‌ها کتاب‌های زیادی هم دارند یک کتابی هم دارند به نام المصنف 42 یا 43 جلد است کل مبانی فکری، اعتقادی، فقهی‌شان در این کتاب المصنف است.

من یادم است شاید سال 63 یا 64 بود در اولین نمایشگاه بین المللی کتاب که در تهران تشکیل دادند کتاب‌های این‌ها را در آن‌جا آوردند در کتابخانه آل‌البیت که گرفته بودند سه چهار ماهی آن‌جا می‌رفتم از اول صبح تا ظهر، بعد از ظهر هم تا آخرین لحظه‌ای که کتابخانه باز بود من این کتاب را از جلد اولش تا قسمت‌های آخرش را مطالعه کردم.

مخصوصاً قسمت‌های کلامی و اعتقادی‌شان را تعمّد داشتم که ببینم که اصلاً این‌ها واقعاً مشهور است که از خوارج هستند چیزی علیه اهل‌بیت، علیه شیعه، علیه امامیه دارند یا ندارند بنده پیدا نکردم.

المصنّف مفصل‌ترین کتاب اباضیه است مثل جواهر ما است، البته جواهر مباحث کلامی ندارد ولی چند جلد اول المصنّف مباحث کلامی است مابقی هم مباحث تفسیری و مباحث فقهی و تاریخی دارد یعنی در حقیقت یک دائرة المعارفی از مبانی فکری و اعتقادی اباضیه است

پرسش:

استاد! داود ظاهری را ندارند

پاسخ: نه این‌ها را جزو مذاهب اسلامی نیاوردند این‌ها منقرض شدند الان ما فرقه ای به نام ظاهریه نداریم.

پرسش:

استاد ابن حزم

پاسخ:

ابن حزم اندلسی نیز بحث‌های‌شان تمام شد

پرسش:

فرمودید که مورد قبول‌شان است

پاسخ:

مورد قبول‌شان است ولی به عنوان یک مذهب فقهی الان این‌ها مطرح نیستند ابن حزم اندلسی را هم خود ابن تیمیه به کلماتش استناد می‌کند و هم فقهای دیگر؛ شما ببینید مالکی‌ها، شافعی‌ها، حنفی‌ها، حنبلی‌ها مسائلی از فقه ظاهری مطرح می‌کنند ولی ظاهری به عنوان یک مذهب شناخته شده نیست که الان ما بگوییم در دنیا 1000 هزار نفر ظاهری مذهب هستند در برابر مالکی و حنفی و حنبلی. و لذا در مجمع فقهی جده که همه فرق اسلامی از 57 کشور اسلامی آن‌جا بودند دیگر به اتفاق آرا یا با اکثریت آرا این 8 مذهب فقهی را تصویب کردند.

پرسش:

ظاهری قرن چندم بود؟

پاسخ:

داود ظاهری قرن 4 هجری است تا ابن حزم اندلسی متوفای 456 آمد یک مقداری بحث‌های داود ظاهری را آورد شاید اشاره‌ای کرده باشیم .

در هر صورت بحث اول ما اصول خمس‌های که در فکر اعتزال است و سر و صدا هم ایجاد کرده و هر کسی می‌آید بخش معتزله را مطرح می‌کند می‌گوید اصول خمس‌شان چیست؟

مثل وعد، وعید و امر به معروف و این که آیا اسماء الهی، عین ذات او است خارج از ذات او است اینها معتقد هستند که عقیده ابوالحسن اشعری، عقیده غالب اهل سنت است ادله‌ای هم برای این می‌آورند و الان هم معمولاً اکثریت اهل سنت اشعری مذهب هستند.

معتقدات اشعری را مفصل آوردیم فرق بین اشاعره و ماتریدیه را کاملاً مطرح کردیم الان خود حنفی‌ها غالباً به طرف ماتریدی رفتند یعنی شاید 90 درصد احناف در گرایش فقهی تابع ابوحنیفه هستند در گرایش کلامی، تابع ماتریدی هستند.

بحث نظریه کسب که آیا ما می‌توانیم یعنی بنده، در این که به طرف شریعت برود عمل کند آیا آزاد است یا مجبور است؟ یکی از بحث‌های مهمی است که ائمه علیهم السلام هم با توجه به این دو گرایش اشعری و معتزله فرمودند

« لَا جَبْرَ وَلَا تَفْوِیْضَ وَ لَكِنْ أَمْرٌ بَيْنَ أَمْرَيْنِ »

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، ج 1، ص 160، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم، 1407 ق.

بعد مابقی بحث‌مان را روی بحث سلفی‌ها بردیم که اصلاً معنای سلفی چیست؟ اهمّ مبادی فکری و اعتقادی سلفیه قدیم که احمد ابن حنبل بناگذاری کرده چیست؟ و ابن تیمیه دو تا اصلی که آمده عقیده اسلامی خودش را بر آن مبتنی کرده چیست؟ اهمّ مبانی فکری سلفی در عهد ابن تیمیه چه بوده است؟ تفاوت عملی بین سلفی ابن تیمیه و سلفی‌های وهابیت معاصر چیست؟

آیا وهابیت معاصر عیناً همان تفکرات ابن تیمیه را دارند ترویج می‌دهند و عمل می‌کنند یا نه بر مبانی اعتقادی و فکری ابن تیمیه اینها تجدید نظر کردند؟

این‌ها خیلی مهم است که ما باید داشته باشیم. غالباً آقایان به هیچ وجه تفاوت نمی‌گذارند و امروز اهمّ مبانی فکری و اعتقادی وهابیت معاصر بعد از محمد ابن عبدالوهاب و مخصوصاً در زمان بن‌باز، مفتی اعظم عربستان سعودی تحولات خاصی در میان وهابیت معاصر ایجاد شده که شاید در بعضی از موارد با مبانی فکری و اعتقادی ابن تیمیه هم کاملاً در تضاد است

این تکفیر و القاعده و طالبان و داعش و این چیزها هم مولود این تفکرات جدید و تجدید نظرهایی است که این‌ها در مبانی فکری و اعتقادی‌شان انجام داده‌اند.

پرسش:

ابن تیمیه تکفیر را قبول نداشت

پاسخ:

تکفیر را با این محدوده وسیع که این‌ها می‌گویند نه، محمد ابن عبدالوهاب شاید در 30-40 جا ما در بحث سال گذشته هم داشتیم می‌گوید: ما مسلمان‌ها را با این‌که نماز می‌خوانند و در نمازشان شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیغمبر می‌دهند ما این‌ها را تکفیر می‌کنیم. دلیل ما هم این است که ابوبکر کسانی که به او زکات ندادند با آن‌که نماز می‌خواندند به رسالت پیغمبر هم عمل می‌کردند به حج هم می‌رفتند، فتوا به کفر آن‌ها داد و با آن‌ها جنگید.

ابن تیمیه دیگر این‌طور دیگر وقیحانه میدان نمی‌آید ابن تیمیه یک حالت نفاق دارد یعنی یک منافق تمام عیار را شما بخواهید نشان بدهید ابن تیمیه است.

در یک جا می‌آید از اهل بیت آن چنان تعریف و تمجید می‌کند در یک جا می‌آید نسبت به امیر المؤمنین می‌گوید ما یک روایت صحیح در فضیلت علی ابن ابیطالب نداریم. علی ابن ابیطالب اصلاً قرآن بلد نبود قرآن را از عثمان یاد گرفته است.

صدیقه طاهره نستجیر بالله، نستجیر بالله

«وفیها شعبۂ من النفاق»

ابن تیمیه الحرنابی الحنبلی، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفای 728 هـ)، منهاج السنة النبویة، ج 4، ص 244-246 تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ناشر: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، الطبعة الأولى، 1406 هـ.

آیه شراب نستجیر بالله در حق علی ابن ابیطالب نازل شد که در حالت مستی نماز می‌خواند!

این رویه در کتاب‌های ابن تیمیه است.

من به دوستان توصیه می‌کنم اگر می‌خواهند روی کتاب‌های ابن تیمیه کار کنند چون الان وهابی‌ها و بعضی از شیعه‌های وهابی زده ما، از ابن تیمیه دفاع می‌کنند!! یکی از این آقایان وهابی زده یک مقاله‌ای نوشت تطهیر ابن تیمیه از هرگونه عداوتی که نسبت به امیر المؤمنین داشت به قول خودش آمده اثبات کرده بر این که ابن تیمیه، محب اهل بیت بوده است.

ما می‌گوییم خدا ابن تیمیه را لعنت کند و کسانی که از ابن تیمیه دفاع می‌کنند را لعنت کند و ابن تیمیه و این‌ها را با موالیان‌شان محشور کند.

خیلی هم سر و صدا در حوزه ایجاد کرده بعضی اساتید مثل آیت‌الله طبری اعتراض زیاد کردند من خیلی زیاد نمی‌خواهم ورود پیدا کنم اگر در اینترنت مقاله باشد مقاله را در اختیار شما قرار می‌دهیم که دوستان مطالعه کنند ببینند ما در حوزه علمیه قم هم یک سری افکار فاسد، یک سری افرادی که از اسلام فقط اسمی بلد هستند نمی‌دانند اسلام را با سین می‌نویسند یا با صاد می‌نویسند، این‌ها کارشناس حوزه ما شدند همان آقایانی که زیر نظرش این مقاله نوشته شده رساله دکترایش را دفتر تبلیغات پیش من فرستاد که ما می‌خواهیم این را چاپ کنیم نظر شما چیست؟

گفتم آقا اگر عربستان سعودی باخبر بشود همچنین رساله دکترایی در ایران در قم نوشته شده با بودجه‌های میلیاردی این رساله را می‌گیرد چاپ می‌کند در تمام دنیا منتشر می‌کند و به همچنین رساله‌ای افتخار می‌کند و آن آقایان هم خیلی از من رنجیدند. -برنجند! هیچ مسئله‌ای نیست- شاید ده پانزده سال از این قضیه می‌گذرد و دفتر تبلیغات هم چاپ نکرد.

چنین تفکراتی هم در حوزه داریم و ما نمی‌دانیم این‌ها چه کار می‌خواهند بکنند و این کاروان را به کجا می‌خواهند ببرند!؟

حتی به خود ما می‌گویند شما در شبکه فضایل امیر المؤمنین را مطرح کنید ولی نگویید این فضایل فقط مال حضرت علی بوده!! چون سنی‌ها ناراحت می‌شوند!! می‌گویند عجب! علی ابن ابیطالب یک فضیلتی داشته که ابوبکر و عمر نداشتند این‌طور بگویند سنی‌ها می‌رنجند این هم یک تفکر و یک قرائتی از مذهب و اسلام است!!

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته